

بررسی تحولات یک واژه فوت شده از فرهنگ‌های فارسی
اکرم‌السادات حاجی سیدآقایی*

چکیده

بسیاری از واژه‌های متداول زبان فارسی، طی سده‌های گذشته، دستخوش تحولاتی بوده‌اند؛ برخی از این واژه‌ها مشمول یک یا چند تحول شده و به گونه‌ای تغییر یافته که به لغت دیگری شباهت پیدا کرده‌اند. از جمله واژه‌های تحول یافته، واژه «آفریدگاران» است که صورت تحول یافته آن در متون کهن دیده می‌شود. فرهنگ‌های موجود فارسی صورت تغییر یافته را ضبط نکرده‌اند. به نظر می‌رسد این تحولات از چشم محققان نیز پنهان مانده است. گفتنی است که تحولات یادشده خاص واژه «آفریدگاران» نیست و واژه‌های دیگر را نیز شامل می‌شود. نویسنده این مقاله با بررسی شواهد مشابه، سعی دارد قوانین حاکم بر این واژه را بیابد و ارائه کند.

کلیدواژه‌ها: آفریدگاران، تحول، فارسی دری، لغت‌نامه.

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی



مقدمه

زبان مهم‌ترین وسیله ارتباط میان افراد بشر است که بنابه ماهیت خود و به علت‌های گوناگون در طول زمان، دستخوش تحولات و تغییرات می‌شود. تحولات زبان در آواها، صرف‌ونحو و واژگان آن صورت می‌گیرد؛ گاه این تحولات به گونه‌ای است که تفاوت و فاصله زیادی بین زبان گذشتگان و معاصران ایجاد می‌کند؛ بنابراین، لازمه فهم زبان متقدمان، ثبت و ضبط آن با تمامی تحولات و تطوراتش است؛ یکی از راه‌های ثبت زبان و تحولاتش، گردآوری لغات و تعبی‌رات متون گذشته، به شیوه‌ای علمی و دقیق و تدوین آن‌ها در قالب لغت‌نامه‌ای است که علاوه بر واژه‌های متداول و متروک، واژه‌های تحول‌یافته،^۱ ضبط تاریخی و تحولات آن‌ها را نیز در بر بگیرد.

فرهنگ‌نویسی فارسی سابقه‌ای طولانی دارد و تقریباً معاصر با فرهنگ‌نویسی عربی، به قلم فارسی‌زبانان، است. از زمان ابو حفص سغدی، که از پیش‌گامان لغت‌نویسی فارسی است و فرهنگ^۲ وی اکنون در دست نیست، تاکنون بیش از ۲۰۰ لغت‌نامه فارسی به فارسی تدوین شده که در بردارنده لغات و اصطلاحات بسیاری است؛ اما هیچ‌یک از آن‌ها تمامی لغات متداول و متروک و واژه‌های تحول‌یافته متون فارسی را ضبط و ثبت نکرده‌اند؛ بلکه فقط منتخبی از واژه‌های متداول و متروک متون مکتوب و زبان روزمره را جمع‌آوری کرده‌اند؛ مطالعه دقیق بخش‌هایی از آثار گذشتگان و یافتن واژه‌هایی که با وجود تکرار در چندین متن کهن و معتبر، از چشم فرهنگ‌نویسان پنهان مانده است، این ادعا را کاملاً ثابت می‌کند. تعدادی از واژه‌های فوت‌شده از فرهنگ‌ها، در زمره لغات تحول‌یافته قرار می‌گیرند. این نوشتار به بررسی یک واژه تحول‌یافته ضبط‌نشده در فرهنگ‌های موجود فارسی می‌پردازد و آن واژه «آفریدگاران» است که به «آفریدگان» تبدیل شده است. نکته شایسته توجه، پوشیده ماندن تحولات موجود در این واژه از چشم فرهنگ‌نویسان و محققان است؛ این



تحولات سبب شده «آفریدگاران» به گونه‌ای تغییر کند که از نظر تلفظ و شکل ظاهری به کلمه متضاد خویش (یعنی آفریدگان که جمع آفریده است و به معنی مخلوقات) شباهت پیدا کند و ضبط نشود. در فرهنگ‌های موجود فارسی فقط واژه «آفریدگان» (در معنی مخلوقات) ثبت شده است. این دو واژه، با وجود شباهت ظاهری، دو کلمه متفاوت با دو معنای متضاد هستند. این مقاله کوششی است برای پی بردن و کشف قوانین حاکم بر واژه تحول‌یافته و نگارنده کوشیده با بهره‌گیری از واژه‌های بعضی متون کهن دیگر - که قواعد آوایی یکسانی بر آن‌ها و واژه مورد نظر ما حاکم است - قوانین تحول این واژه را کشف و عرضه کند. با توضیحی که در پی می‌آید، می‌توان به چگونگی تبدیل «آفریدگاران» به «آفریدگان» پی برد.

۱- بحث

نگارنده واژه «آفریدگان» را به جای «آفریدگاران» در ترجمه الخالقون، اولین بار در ترجمه و قصه‌های قرآن یافت؛ در نظر اول این کلمه را از مقوله سهو کاتب نسخه دانست؛ اما با مراجعه به متون کهن دیگری چون تفسیر ابوالفتح، فرهنگ‌نامه قرآنی - که واژه‌های ۱۴۲ قرآن کهن را در خود جای داده است - و کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، دریافت که دفعات به‌کار رفتن «آفریدگان» به جای «آفریدگاران»، بیش از آن است که بتوان آن را ضبط نادرست کاتب تلقی کرد. یادآوری این نکته ضروری است که این تحول فقط در ظاهر کلمه بوده نه در معنای آن؛ یعنی «آفریدگاران» با تبدیل به «آفریدگان»، هم‌چنان معنای «پدیدآورنده‌ها» را حفظ می‌کند. اکنون شواهد دربردارنده واژه تحول‌یافته «آفریدگان» را از نظر می‌گذرانیم:

«بل که آفریده‌ایم ایشان را از ناچیز [یعنی از نیست، هست کرده‌اند] یا ایشانند آفریدگان^۳». ^{۴۵}؛ در فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۲، ص ۶۹۲، در قرآن ۹۴ - «الخالقون» در همین آیه به «آفریدگان» ترجمه شده است؛





«بعل را خدای می خوانید... و نیکو آفرین ترین آفریدگان می بگذارید؟!»^۶ و نیز در تفسیر ابوالفتوح: «می خوانی این بت را و رها می کنی نیکوترین آفریدگان را؟»^۸ الخالقون: ۹ آفریدگان،^{۱۰} الخالقین: ۱۱ آفریدگان.^{۱۲}

چنان که از شواهد فوق برمی آید، ما در این جا با دو تحول آوایی روبه رو هستیم: یکی حذف صامت [r] و دیگری حذف مصوت ā است و چنان که در زیر نشان خواهیم داد، برای هر دو تحول نظایری در زبان فارسی می توان یافت. ما در ابتدا به حذف صامت [r] در متون کهن می پردازیم و سپس تحول دوم، یعنی حذف مصوت ā، را بررسی می کنیم.

شواهدی که از حذف صامت [r] در تعدادی از کلمات فارسی و گویشی در دست است، نشان می دهد که پدیده حذف [r] در جایگاه پس از مصوت و میان مصوت ها رخ می دهد. ما بر این اساس شواهد خود را به دو دسته تقسیم می کنیم: دسته اول، واژه هایی که در آن ها حذف [r] پس از مصوت رخ می دهد؛ دسته دوم، واژه هایی که در آن ها حذف [r] در میان دو مصوت روی می دهد. اکنون شواهد را به ترتیب حروف الفبا نقل می کنیم:

۲- حذف صامت [r] پس از مصوت انسانی و مطافات فرنگی

۱-۲ حذف صامت [r] پس از ā

آشکا، به جای آشکار در ترجمه مبین،^{۱۳} استوا به جای استوار،^{۱۴} استواکننده به جای استوار کننده در ترجمه حکیم^{۱۵}، انا به جای انار در ترجمه رمان،^{۱۶} با به جای بار،^{۱۷} بازا به جای بازار،^{۱۸} بزرگوا به جای بزرگوار در ترجمه کبیر،^{۱۹} بسیا به جای بسیار،^{۲۰} پای دها به جای پای دارها در ترجمه «الباقیات»^{۲۱}، پذیرفتا به جای پذیرفتار در ترجمه «الزرعیم»،^{۲۲} چهارپایان به جای چهارپایان در ترجمه «انعام»،^{۲۳} خازده شده به جای خارزده شده در ترجمه «مخضود»^{۲۴}، خوا (در عبارت مکن خوا) به جای

خوار در ترجمه «الْأَخْزِنَا»،^{۲۵} خواتران به جای خوارتران در ترجمه «الْأَذْلِينَ»^{۲۶}، دشخواتر به جای دشخوارتر در ترجمه «أَشَقُّ»^{۲۷} زینها دهد به جای زینهار دهد در ترجمه «يُجِيرُ»^{۲۸} ستمکا به جای ستمکار، در ترجمه «الْجَائِرُ»^{۲۹} ستم کاتر، به جای ستم کارتر در ترجمه «أَظْلَمُ»^{۳۰} سزاواتر به جای سزاوارتر در ترجمه «أَحَقُّ»^{۳۱} سنگ سا (در ترکیب سنگ ساگردگان) به جای سنگ سار در ترجمه «الْمَرْجُومِينَ»^{۳۲} شما، به جای شمار،^{۳۳} کا به جای کار،^{۳۴} کارزا به جای کارزار^{۳۵} و نیز در عبارت «کارزا کنندگا»^{۳۶، ۳۷} کارزار،^{۳۸} به جای کارزار، هزا به جای هزار؛^{۳۹} در ضمن کلمه «هزار» در گویش های زنده کنونی هم چون تاتی و هرزنی و تالش لنکران با حذف [r] به صورت hazo کاربرد دارد.^{۴۰}

۲-۲- حذف صامت [r] پس از ū و ō :

دو به جای دور،^{۴۱} ستو به جای ستور،^{۴۲} موچه به جای مورچه در ترجمه ذرّة.^{۴۳ و ۴۴}

در گویش های زنده کنونی نیز حذف [r] پس از ū دیده می شود:

فارسی	واژه گویشی	نام گویش	نام کتاب	شماره صفحه
تنور ^{۴۵}	tanū	تالشی لنکران، آستارا گیلان	زبان تالشی (گویش خوشابری)	۶۹
سورسات	susât	فارسی قمی	فارسی قمی	۱۵
شور	šū	گویش لنکران	زبان تالشی (گویش خوشابری)	۲۰۱
قورت ^{۴۶}	qud	فارسی قمی	فارسی قمی	۱۵
کور	ku	گویش لنکران	زبان تالشی (گویش خوشابری)	۲۰۱ ^{۴۷}



۲-۳- حذف صامت [r] پس از ī :

نگارنده در متون کهن مورد استناد خویش، شاهدهی را که در آن صامت [r] پس از مصوت بلند ī حذف شده باشد، نیافته؛ اما از گویش‌های زنده کنونی چند مثال فراهم آورده است که در این‌جا ذکر می‌شود:

شماره صفحه	نام کتاب	نام گویش	واژه گویشی	فارسی
۲۴۸	گنجینه گویش‌شناسی فارس	گویش دوانی؛ کازرونی ^{۴۸}	bigi	بگیر
۲۰۱ ۲۱۱	زبان تالشی (گویش خوشابری)	گویش لنکران؛ آستارا	pāni ^{۴۹}	پنیر
۶۹	زبان تالشی (گویش خوشابری)	تالشی لنکران، آستارا گیلان	pi	پیر (pir)
۱۲۰	گنجینه گویش‌شناسی فارس	گویش عبدویی	Jāši	جاشیر (= گاوشیر)
۲۰۷	زبان تالشی (گویش خوشابری)	آستارا	di	دیر
۶۹ ^{۵۱}	زبان تالشی (گویش خوشابری)	تالشی لنکران، آستارا گیلان	si	سیر ^{۵۲} (sir)

۳- حذف صامت [r] در میان دو مصوت انسانی

اندون به‌جای اندرون^{۵۲}، بازدایت به‌جای بازداریت^{۵۳}، بمه‌آوید به‌جای بمه آورید^{۵۴}، پرورش به‌جای پرورش^{۵۵}، پندای به‌جای پنداری^{۵۶}، داز به‌جای دراز^{۵۷}، دیدن به‌جای دریدن^{۵۸}، زوین به‌جای زورین^{۵۹}، شادخوای به‌جای شادخواری^{۶۰}، شویده به‌جای شوریده^{۶۱}، فروداندگان به‌جای فرودآرندگان^{۶۲}، کنه به‌جای کناره^{۶۳}، مرواید به‌جای مروارید^{۶۴}، مزدوی کنی به‌جای مزدوری کنی^{۶۵}، منکاوان به‌جای منکاوران^{۶۶} می‌داید به‌جای^{۶۷} می‌دارید.



آنچه تا این جا مورد بحث قرار گرفت، مربوط به حذف صامت [r] بود، اکنون به بحث دربارهٔ تحول دوم یعنی حذف ē می‌پردازیم. همان‌طور که در قبل دیدیم، گاهی در نتیجهٔ تحول زبان، یک صامت از واژه حذف می‌شود؛ در برخی واژه‌ها حذف این صامت موجب رویارویی دو مصوت (التقاء مصوت‌ها)^{۶۹} و دشواری تلفظ می‌شود؛

در پاره‌ای موارد، زبان، با استفاده از یک صامت میانجی، مشکل تلاقی دو مصوت متوالی را حل می‌کند؛^{۷۰} اما در پاره‌ای موارد نیز حل این مشکل با استفاده از حذف یکی از دو مصوت صورت می‌گیرد که در واژه مورد نظر ما نیز چنین اتفاقی روی داده است. حذف صامت [r] در آفریدگاران (āfarīda/egārān) و تبدیل این کلمه به آفریدگان^{۷۱} (āfarīda/egāān) موجب رویارویی دو مصوت ē می‌شود و مشکل رویارویی این دو مصوت با حذف یکی از آن دو پایان می‌یابد و واژه به صورت آفریدگان (āfarīda/egān) درمی‌آید. مراحل این تحول در زیر نشان داده شده است:

āfarīda/egārān ← āfarīda/egāān ← āfarīda/egān

نگارنده شواهدی از این دست را - که دربردارندهٔ هر دو تحول باشند - از متون فراهم آورده که در این جا به ترتیب الفبایی ذکر می‌شوند:

بیدادگان به جای بیدادکاران در ترجمه «الظالمون»؛^{۷۲} پرهیزگان به جای پرهیزگاران در ترجمه «متقین»؛^{۷۳} پشیمانگان به جای پشیمانکاران در ترجمه «نادمین»؛^{۷۴} پلیدگان به جای پلیدکاران در ترجمه «غیر مسافحین»؛^{۷۵} تباهگان به جای تباهکاران؛^{۷۶} ترسکان به جای ترسکاران در ترجمه «خائفین»؛^{۷۷} زناکان به جای زناکاران در ترجمه «غیر مسافحین»؛^{۷۸} زبان‌کان به جای زبان‌کاران در ترجمه «خاسرین»؛^{۷۹} ستمکان به جای ستمکاران در ترجمه «ظالمین».^{۸۰}

چنان‌که دیده می‌شود، در همهٔ شواهد فوق حذف صامت [r] و به دنبالش حذف مصوت ē روی داده است.^{۸۱}



اکنون که موارد حذف صامت [r] و پس از آن حذف مصوت q را نقل کردیم، سعی می‌کنیم تاریخ، منطقه یا مناطقی که این تحولات در آن جای‌ها روی داده، مشخص کنیم. ذکر این نکته ضروری است که ما نمی‌خواهیم زمان و مکان روی دادن هر تحول را جداگانه به دست دهیم؛ بلکه سعی ما مشخص کردن تاریخ، منطقه یا مناطقی است که در آن دوره و آن جای‌ها، هر دو تحول با هم در یک واژه دیده می‌شود. برای تعیین زمان و محل وقوع این دو تحول (در کنار هم)، باید به زمان و حوزه تألیف یا کتابت متون مورد استناد، که هر دو ویژگی را دربردارند، رجوع کنیم. این متون به ترتیب قدمت عبارتند از: تفسیر سورآبادی، تفسیر قرآن مجید (معروف به تفسیر کمبریج)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تفسیر ابوالفتوح رازی، ترجمه و قصه‌های قرآن، قرآن‌های شماره ۵۶، ۵۷، ۸۷، ۹۴ و قرآن شماره ۱۱۳ فرهنگنامه قرآنی و برگردانی کهن از قرآن کریم و در پایان قرآن‌های ۱۲۸ و ۱۳۸ و ۱۳۹ در فرهنگنامه قرآنی، که در این جا درباره یک‌یک آن‌ها توضیح کوتاهی می‌آید:

قدیم‌ترین متن مورد استناد ما، تفسیر ابوبکر عتیق نیشابوری (متوفای ۴۹۴ ق) معروف به تفسیر سورآبادی است. تاریخ تصنیف این تفسیر در حدود ۴۷۰ هجری است. نسخه‌ای که تحول مزبور را نشان می‌دهد، نسخه بادلیان است که با رمز «با» مشخص شده است. تاریخ استنساخ این نسخه صفر سال ۶۸۴ ق است؛^{۱۲} بنابراین نیشابور جزء مناطقی است که این تبدیلات در آن دیده می‌شود. پس از تفسیر سورآبادی، تفسیر قرآن مجید قرار دارد. سال تألیف تفسیر قرآن مجید مجهول است. بنابه نظر دکتر جلال متینی، تاریخ تألیف این تفسیر از نیمه اول سده پنجم هجری در نمی‌گذرد. از نام و نسب و زادگاه مؤلف آن اطلاعی در دست نیست؛ اما نشانه‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد مؤلف آن احتمالاً از مردم خراسان بوده است. یادآوری

این نکته ضروری است که آثار لهجه مفسر در این تفسیر به چشم می‌خورد. نسخه موجود این تفسیر در هفتم ربیع‌الآخر سال ۶۲۸ هجری، به دست محمدبن ابی‌الفتح الفقیه الغریب کتابت شده است.^{۸۳}

کشف‌الاسرار و عنة‌الابرار، معروف‌ترین و کامل‌ترین تفسیر عارفانه و صوفیانه فارسی است که به قلم رشیدالدین ابی‌الفضل بن ابی‌سعید احمد بن محمد بن محمد بن محمود المیبدی نگارش یافته. به تصریح وی، آغاز تألیف کتاب، سال ۵۲۰ هجری بوده است. میبدی در نوشتن این کتاب تحت تأثیر تفسیر خواجه عبدالله انصاری بوده و خود می‌گوید: چون تفسیر خواجه عبدالله را در غایت ایجاز یافته، در صدد شرح و بسط آن برآمده و کشف‌الاسرار را نگاشته است.^{۸۴}

روض‌العجان و روض‌الجنان مشهور به تفسیر ابوالفتوح رازی در ری، به دست دانش‌مندی فقیه، متکلم و پارسی‌دان به نام حسین بن علی بن محمد بن احمد الخزاعی النیشابوری الاصل معروف به ابوالفتوح رازی در نخستین دهه‌های قرن ششم هجری نوشته شده است.^{۸۵}

ترجمه و قصه‌های قرآن، تلخیصی از تفسیر سورآبادی است که محمد بن علی بن محمد بن علی النیشابوری الیثی کار استتساخ آن را در سال ۵۸۴ ق به پایان رسانده است. کاتب و ناسخ این کتاب، که به احتمال قوی همان فراهم‌آورنده و تلخیص‌کننده آن است، مانند ابوبکر عتیق نیشابوری (مصنف تفسیر سورآبادی) اهل نیشابور بوده است.^{۸۶}

با توجه به این‌که محل نگارش قرآن‌های مورد استناد از فرهنگ‌نامه قرآنی، بر نگارنده پوشیده است، نمی‌توان درباره‌ی مناطقی که در آن جای‌ها این تحولات وجود داشته، اظهار نظر کرد؛ اما توجه به تاریخ کتابت این متون، اطلاعاتی راجع به حوزه زمانی رواج این تحولات به دست می‌دهد. تاریخ کتابت قرآن‌های مورد استناد از فرهنگ‌نامه قرآنی بدین قرار است:

قرآن‌های شماره ۵۶ و ۵۷: قرن هفتم؛ قرآن شماره ۸۷: ظاهراً قرن هشتم؛ قرآن شماره ۹۴: ظاهراً اواخر قرن هشتم؛^{۸۷} قرآن شماره ۱۱۳: ظاهراً قرن دهم و



قرآن‌های شماره ۱۳۸^{۹۰} و ۱۳۹ که تاریخ کتابت آن‌ها نامعلوم است.^{۹۱} درباره برگردانی کهن از قرآن کریم، باید گفت از نام و نسب و زادگاه مؤلف آن اطلاعی در دست نیست. بنابه نظر دکتر علی رواقی، متن متعلق به قرن دهم و زبان آن مشابه زبان تفسیر سورآبادی است.^{۹۲}

بررسی حوزه زمانی و مکانی متونی که مشمول این دو قاعده آوایی شده‌اند، نشان می‌دهد که این تحولات در قرون پنجم تا دهم، در حوزه شهرهای شرقی و مرکزی ایران مانند خراسان و ری رایج بوده است.^{۹۳} یادآوری این نکته لازم است که آنچه در این جا با عنوان «قرن پنجم تا دهم» می‌آید، براساس تاریخ تدوین تفسیر سورآبادی و براساس تاریخ کتابت متأخرین، متن مورد استناد - که قاعدتاً این تاریخ، تاریخ استنساخ نسخه است نه تاریخ تدوین آن - است. اگر بنا را صرفاً بر تاریخ استنساخ این متون و وجود این ویژگی در گویش کاتبان آن‌ها بگذاریم، قرونی که تبدیلات مورد نظر را نشان می‌دهد، به قرون ششم تا دهم تغییر می‌یابد.

اکنون که توصیف تحولات آوایی واژه «آفریدگان» به پایان رسید، ذکر دو نکته لازم است: نخست این که توجه به موارد اندک کاربرد لغت تحول یافته، ما را به این نتیجه می‌رساند که صورت تحول یافته فقط در متونی به چشم می‌خورد که به فارسی دری نگاشته شده است و اثری از آن در فارسی معاصر دیده نمی‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت: از آن جا که تبدیل «آفریدگاران» به «آفریدگان» باعث خلط واژه تحول یافته با لغت آفریدگان (به معنی مخلوقات) و در نتیجه اختلال در امر ارتباط می‌شده است؛ صورت تحول یافته در زبان تثبیت نشده و پس از مدتی از بین رفته است؛ نکته دوم پنهان ماندن واژه «آفریدگان» از چشم محققان است. همان گونه که مشاهده شد، واژه تحول یافته «آفریدگان» با وجود این که در چند متن معتبر و کهن فارسی به کار رفته - متونی که شاید لغات آن‌ها بارها برای

تدوین فرهنگ‌ها گزینش شده باشد - در هیچ‌یک از لغت‌نامه‌های موجود فارسی ضبط نشده و از چشم لغت‌نویسان و محققان پنهان مانده است و این نشان‌دهنده آن است که زبان فارسی هم‌چنان از داشتن فرهنگی که با دقتی وسواس‌گونه و محققانه نوشته شده باشد و درخور زبان فارسی باشد، محروم است؛ پس کسی که بخواهد برای زبان فارسی لغت‌نامه‌ای دقیق و معتبر بنویسد، راهی بس دشوار پیش‌رو دارد. حاصل آن‌که اگر نمی‌توانیم همه لغات و تعبیراتی را که در قلمرو زبان فارسی، در طول یک‌هزار و چندصد سال در کتاب‌ها نوشته شده، جمع و تدوین کنیم، باید بدانیم تا تمام لغات مندرج در متون مهم و معتبر فارسی، کلمه به کلمه و با شیوه‌ای عالمانه و نظام‌مند گردآوری و ضبط نشوند، هم‌چنان از داشتن لغت‌نامه‌ای دقیق و معتبر محروم خواهیم ماند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پی‌نوشت‌ها

- ۱- گفتنی است که شماری از واژه‌های تحول‌یافته، جزو کلمات متداول زبان محسوب می‌شوند و تا دوره معاصر در زبان کاربرد دارند و تعدادی دیگر در دسته کلمات متروک و فراموش شده زبان قرار می‌گیرند.
- ۲- تاریخ تألیف این فرهنگ، مجهول است؛ اما بنا به پاره‌ای قرآن می‌توان آن را بعد از زمان زندگی خسروی سرخسی (در گذشته پیش از سال ۳۸۳ ق) دانست (دبیرسیاقی، ۱۳۶۸، ص ۸).
- ۳- برای تبیین و وضوح بیشتر، ترجمه آیه‌های این قسمت را از قرآن کهن دیگری نیز می‌آوریم.
- ۴- سوره طور (۵۲)، آیه ۳۵: «أَمْ خَلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ». شماره این آیه در ترجمه و قصه‌های قرآن، ۳۴ است. ترجمه این آیه در قرآن قدس، ج ۲، ص ۳۵۴ چنین است: «یا آفریده شدن از جد چیزی یا ایشانند آفریدگاران».
- ۵- مهدوی، یحیی و مهدی بیانی: ترجمه و قصه‌های قرآن، ج ۲، ص ۱۱۲۰ و نیز در نسخه بدل پ.
- ۶- سوره صافات (۳۷)، آیه ۱۲۵: «أَتَدْعُونَ بَغْلًا وَ تَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ». ترجمه این آیه در قرآن قدس، ج ۲، ص ۲۹۷ چنین است: «ای می‌خوانید بعل را و می‌هیلید نیکوتر آفریدگاران؟» واژه «می‌هیلید» به معنی «وامی‌گذارید» است.
- ۷- میدی، ابوالفضل رشیدالدین: کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، ج ۸، ص ۲۸۴.
- ۸- رازی، ابوالفتح: روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۹۶.
- ۹- سوره واقعه (۵۶)، آیه ۵۹: «أَلَمْ تَخْلُقُوهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ». ترجمه این آیه در قرآن قدس، ج ۲، ص ۳۶۲ چنین است: «ای شما بیافریدید آن؟ یا ایمایم آفریدگاران.» واژه «ایما» به معنی «ما» است.
- ۱۰- فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۲، ص ۶۹۲، قرآن ۵۶.
- ۱۱- سوره مؤمنون (۲۳)، آیه ۱۴: «... فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». ترجمه این آیه در قرآن قدس، ج ۲، ص ۲۱۹ چنین است: «بزرگوارست خدای نیکوتر آفریدگاران».
- ۱۲- همان، ج ۲، ص ۶۹۲، قرآن ۸۷.
- ۱۳- همان، ج ۳، ص ۱۲۹۸، قرآن ۱۲۵.
- ۱۴- تفسیر قرآن مجید، ج ۱، ص ۴۸۲ و نیز نسفی، ابو حفص نجم‌الدین: تفسیر نسفی، ج ۲، ص ۹۵۷.
- ۱۵- فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۲، ص ۶۶۸، قرآن ۹۵.
- ۱۶- همان، ج ۲، ص ۸۰۸، قرآن ۲۶.
- ۱۷- تفسیر قرآن مجید، ج اول، ص ۱۲۷.
- ۱۸- فرهنگ مصادراللغه، ص ۳۳۷.
- ۱۹- فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۲۰۰، قرآن ۹۶.



۲۰- المتحمّد المروزی، محمدبن منصور: *الدرر فی الترجمان*، ص ۳۱.

۲۱- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۱، ص ۳۳۱، قرآن ۹۱.

۲۲- *تراجم الاعاجم*، ص ۸۰.

۲۳- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۱، ص ۲۸۴، قرآن ۹۱ و نیز عتیق نیشابوری، ابوبکر: *تفسیر سورآبادی*، ج ۵، ص ۳۳۵۲، حاشیه، نسخه بدل «لن».

۲۴- *لسان التنزیل*، ص ۶۷ ر.ک: ص ۳۸۸ [موارد اصلاح نسخه]

۲۵- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۲، ص ۴۲۸، قرآنی ۶۲.

۲۶- همان، ج ۱، ص ۱۰۵، قرآن ۱۲۰.

۲۷- همان، ص ۱۵۸، قرآن ۵۳.

۲۸- المتحمّد المروزی، محمدبن منصور: *الدرر فی الترجمان*، ص ۷۴.

۲۹- دهار، قاضی خان بدر محمد: *دستور الاخوان*، ج ۱، ص ۱۸۷، حاشیه، نسخه بدل «ب».

۳۰- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۱، ص ۱۸۰، قرآن ۵۳.

۳۱- *ترجمه قرآن* ۵۵۶، ص ۱۲۶.

۳۲- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۳، ص ۱۳۳۹، قرآن ۲۹.

۳۳- سورآبادی، ابوبکر عتیق: *تفسیر سورآبادی*، ج ۵، ص ۳۴۰۳، حاشیه، نسخه بدل «لن»، مربوط به جلد ۲، ص ۹۲۹، سطر ۲۰، در کتاب به اشتباه ذیل سطر ۱۵ آمده است و نیز نک به: نسفی، ابوحفص نجم‌الدین عمر بن محمد: *تفسیر نسفی*، ج ۲، ص ۱۱۷۴.

۳۴- سورآبادی، ابوبکر عتیق: *تفسیر سورآبادی*، ج ۵، ص ۳۲۹۶، حاشیه، نسخه بدل «لی» مربوط به ج ۱، ص ۷۱۴، سطر ۱ و ۲.

۳۵- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۱، ص ۲۱۰، قرآن ۹۴ و ج ۲، ص ۵۲۶، قرآن ۱۳۰ و ج ۲، ص ۵۲۶، قرآن ۴۱ و قرآن ۱۳۸ و ج ۳، ص ۱۱۲۶، قرآن ۴۵ و ج ۳، ص ۱۱۷۱ قرآن ۳.

۳۶- در واژه «کاراکنندگانه» تحول دیگری نیز رخ داده و آن حذف صامت غنة دندان [n] پس از مصوت بلند است. در این باره رک. صادقی: «دو تحول آوایی در زبان فارسی...»، ص ۵.

۳۷- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۳، ص ۱۳۱۶، قرآن ۳۰.

۳۸- *قرآن قدس*، ج ۱، صص ۱، ۱۳، ۱۹، ۲۰، ۳۷، ۳۹، و ... (در تمام موارد، کلمه «کارزار» در قرآن قدس به صورت «کارزار» ثبت شده است).

۳۹- ابوالفتح: *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۳۵۰ و همچنین در ترجمه و قصه‌های

قرآن، ج ۱، ص ۶۸، و نیز در *برگردانی کهن از قرآن کریم*، ص ۷.



۴۰- رک. حاجت‌پور، حمید: *زبان تالشی*، ص ۱۰۵؛ هم‌چنین کارنگ، عبدالعلی: *تاتی وهرزنی* ص (۸۱).
 در برخی گویش‌های زنده کنونی نیز حذف [r] پس از â دیده می‌شود که ما برای نمونه چند شاهد نقل می‌کنیم*:

فارسی	واژه گویشی	نام گویش	نام کتاب	شماره صفحه
ببزار	Bizā	گویش لنکران	زبان تالشی (گویش خوشابر)	۲۰۱
دیوار	Davā	گویش دوانی** گویش دهله‌ای - پیرمهنتی	گنجینه گویش‌شناسی فارس	۱۰۶
شلوار	Šelvā	گویش عبدویی	گنجینه گویش‌شناسی فارس	۱۱۲
کنار	Konā	گویش دهله‌ای - پیرمهنتی	گنجینه گویش‌شناسی فارس	۱۱۸***

* در ذکر لغات گویشی آوا نگاری هریک از آن‌ها، بدون هیچ تغییر، از منابع مورد استفاده نقل شده است؛ بنابراین برای اطلاع از طرز تلفظ برخی آواها باید به کتب مورد استناد رجوع شود. باید این نکته را هم در نظر داشت که ā و ū و I در آوا نگاری متون قدیم به‌کار می‌رود و در متون جدید از علائم â و u و ã استفاده می‌شود.

** در گویش دوانی، devar نیز رواج دارد. گویش دوانی، دهله‌ای - پیرمهنتی و عبدویی از گویش‌های فارس هستند.

*** ذکر این نکته لازم است که حذف [r] پس از مصوت کوتاه a نیز روی می‌دهد که در این‌جا برای این تحول شواهدی از متون کهن ذکر می‌شود: ارزبگ (م: ارزبگ)، به‌جای ارزبگر (دهار، ۱۳۴۹، ج ۱، ص ۳۰۱) / اند به‌جای اندر (ترجمه تفسیر طبری، ج ۴، ص ۸۶۴، حاشیه، نسخه بدل «خ») و نیز در تفسیر قرآن مجید، ج ۲، صص ۱۳۸، ۱۴۰ و ۲۲۱ / بازگانی، به‌جای بازرگانی (بیبقی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۲۰۸، حاشیه، نسخه بدل «پا») / بانگ‌آو، به‌جای بانگ‌آور (فرهنگنامه قرآنی، ج ۳، ص ۹۳۵، قرآن ۵۲) / تئد به‌جای تئدر (فرهنگنامه قرآنی، ج ۲، ص ۸۰۲، قرآن ۹۰)

۴۱- سورآبادی، ابوبکر عتیق: *تفسیر سورآبادی*، ج ۵، ص ۳۵۵، حاشیه، نسخه بدل «لن» و نیز در ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۱۷۳، و در تفسیر بصایر یمینی نیز در تاج‌المصادر، جلد ۱، ص ۲۱۸، حاشیه، نسخه بدل «پا».

۴۲- زوزنی، ابوعبدا... حسین بن‌احمد: *کتاب المصادر*، ج ۱، ص ۳۶۶، حاشیه، نسخه بدل «د». و در *فرهنگ مصادراللقمه*، ص ۱۸۶.

۴۳- *ترجمه تفسیر طبری*، ج ۱، ص ۲۹۷.

۴۴- کلمات «ستور» و «مورچه» امروزه با مصوت u تلفظ می‌شوند؛ اما صورت قدیم‌تر این دو واژه که در پهلوی متداول بوده، با واو مجهول تلفظ می‌شده است. ستور(stōr)؛ مور (mōr) (مکنزی، دیویدنیل:

فرهنگ کوچک پهلوی، صص ۲۵۹ و ۳۰۸). ذکر این نکته ضروری است که مصوت \bar{o} مصوت بلند محسوب می‌شود.

۴۵- این واژه در گویش دهله‌ای - پیرمهلتی (از گویش‌های فارس) به صورت \bar{toni} تلفظ می‌شود (سلامی، عبدالنبی: گنجینه گویش‌شناسی فارسی، ص ۱۰۴).

۴۶- دو کلمه قورت و سورسات ترکی هستند؛ اما به‌خاطر کاربرد در فارسی جزو لغات فارسی محسوب شده‌اند.

۴۷- حذف [r] پس از مصوت کوتاه \bar{o} نیز در برخی کلمات دیده شده‌است؛ مواردی از این لغات بدین‌قرارند: آرزنده به‌جای آرزنده (تفسیر قرآن مجید، ج ۲، ص ۱۹۳) / بیامزید به‌جای بیامزید (ادیب نظزی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۹، حاشیه، نسخه‌بدل «ا» / بزرگتر به‌جای بزرگتر (فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۱، ص ۲۱۸، قرآن ۹۱) / بزرگوار شدن به‌جای بزرگوار شدن (تقلیسی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۱۲۶۹، حاشیه، نسخه‌بدل «ت») و بزرگوار (فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۰۳۰، قرآن ۸۱) و بزرگواری (همان، ج ۳، ص ۱۱۹۹، قرآن ۱۱۳) / بیازدن به‌جای بیازردند (همان، ج ۱، ص ۳۰۸، قرآن ۱۰۵).

۴۸- این واژه در گویش‌های دیگر فارس چون عبدویی \bar{vegi} و در گویش کنده‌ای \bar{vigi} و در گویش کوزرگی و ماسرمی، ده سروی \bar{bigi} تلفظ می‌شود.

۴۹- در گویش لنکران هنگام حذف [r] در اکثر واژه‌ها مصوت کوتاه به مصوت کشیده بدل می‌شود. (حاجت‌پور، ۱۳۸۳، ص ۲۰۱).

۵۰- سیر در دو معنی ۱- در مقابل گرسنه ۲- سیر خوراکی.

۵۱- یادآوری این نکته لازم است که نویسنده در متون کهن مورد استناد، مثالی که صامت [r] در آن پس از مصوت کوتاه \bar{o} حذف شده باشد، نیافته است.

۵۲- سورآبادی، ابوبکر عتیق: تفسیر سورآبادی، ج ۵، ص ۳۴۱۶، حاشیه «لن» مربوط به ج ۲، ص ۹۵۷، سطر ۱۱، در کتاب به‌اشتباه ذیل صفحه ۹۵۶ و با شماره سطر ۲۳ آمده است. هم‌چنین واژه آندونی به جای آندرونی، همان، ج ۵، ص ۳۴۰۲۴، حاشیه، نسخه بدل «لن» و نیز در تاج‌المصادر، ج ۱، ص ۲۶۱ حاشیه نسخه بدل «پا».

۵۳- نسفی، ابو‌حفص نجم‌الدین عمر بن محمد: تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۲۰۴.

۵۴- اسفراینی، ابوالمظفر: تاج‌التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم، ج ۲، ۷۸۴، حاشیه، نسخه بدل «سرا».

۵۵- تفسیر قرآن مجید، ج ۱، ص ۳۰۳.

۵۶- رازی، ابوالفتح: روض‌الجنان و روح‌الجنان، ج ۱۰، ص ۱۲۱.

۵۷- تفسیر قرآن مجید، ج اول، ص ۴۰۲؛ و نیز در دهار، قاضی‌خان بدرمحمد: دستورالآخوان، ج ۱، ص ۱۸۹، حاشیه، نسخه بدل «ب».



- ۵۸- دهار، قاضی‌خان بدرمحمد: *دستورالخوان*، ج ۱، ۲۴۸، حاشیه، نسخه بدل «ب».
- ۵۹- همان، ج ۱، ص ۴۶۶.
- ۶۰- *ترجمه قرآن* ۵۵۶، ص ۵۳۸.
- ۶۱- سورآبادی، ابوبکر عتیق: *تفسیر سورآبادی*، ج ۵، ص ۳۳۲۱، حاشیه، نسخه بدل «لن».
- ۶۲- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۴، ص ۱۴۷۰، *قرآن* ۴۶.
- ۶۳- همان، ج ۲، ص ۸۳۳، *قرآن* ۵۶.
- ۶۴- *مقامات حریری (ترجمه فارسی)*، ص ۱۳.
- ۶۵- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۲، ص ۳۷۸، *قرآن* ۳۰.
- ۶۶- سورآبادی، ابوبکر عتیق: *تفسیر سورآبادی*، ج ۵، ص ۳۲۱۰، حاشیه، نسخه بدل «با»، مربوط به ج ۱، ص ۵۷۵، سطر ۱۵.
- ۶۷- *ترجمه و قصه‌های قرآن*، ج ۱، ص ۹۶.
- ۶۸- شایان توجه است بسیاری از مصححان متون، کلماتی را که صامت [ʔ] در آن‌ها حذف شده به حاشیه برده یا صامت [ʔ] را در میان قلاب به کلمه افزوده‌اند.
- ۶۹- التقای مصوت‌ها: «هجاهای باز، یعنی هجای مختوم به مصوت، خاصه اگر در پایان واژه بیایند، هرگاه مقدم بر هجای دیگری که دارای مصوت آغازی باشد، قرار گیرند در مرز دو هجا (یا میان دو واژه)، روی محور هم‌نشینی، در اکثر زبان‌ها شرایط خاصی پدید می‌آید... و اصطلاحاً به آن التقای مصوت‌ها می‌گویند.» (نجفی، ۱۳۷۳، صص ۸۰-۸۱).
- ۷۰- رک. صادقی، علی اشرف: *مسائل تاریخی زبان فارسی*، صص ۲۵-۵۰.
- ۷۱- ما به درستی نمی‌دانیم که در واژه «آفریدگار» ابتدا صامت [ʔ] پس از مصوت بلند حذف شده و سپس با ān- جمع، جمع بسته شده است و یا این‌که صامت [ʔ] پس از پیوستن واژه به ān- جمع در بین دو مصوت (یعنی در یک جایگاه ضعیف) قرار گرفته و حذف شده است.
- ۷۲- رازی، ابوالفتح: *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۳، ص ۳۸۸، حاشیه، نسخه بدل «میج».
- ۷۳- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۳، ص ۱۳۰۷، *قرآن* ۵۷ و نیز در *ترجمه و قصه‌های قرآن*، ج ۱، ص ۹۹.
- ۷۴- سورآبادی، ابوبکر عتیق: *تفسیر سورآبادی*، ج ۵، ص ۳۲۰۹، نسخه بدل «هن».
- ۷۵- همان، ج ۵، ص ۳۱۸۰، حاشیه، نسخه بدل «با».
- ۷۶- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین: *کشف‌الاسرار و عدة‌الابراه*، ج ۱، ص ۱۸۷.
- ۷۷- *فرهنگ‌نامه قرآنی*، ج ۲، ص ۶۸۳، *قرآن* ۱۳۸.
- ۷۸- *برگردانی کهن از قرآن کریم*، ص ۸۹.

۷۹- تفسیر قرآن مجید، ج ۲، ص ۱۱۰.

۸۰- فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۳، ص ۹۷۷، قرآنهاي ۱۱۳، ۱۳۹.

۸۱- نمونه این تحول (یعنی حذف یک صامت و به دنبال آن حذف یک مصوت برای رفع التقای مصوت-ها) در جای دیگر در متون فارسی دیده می‌شود. تحول کلمات شبانگان (= شبانگاهان) در تفسیر سورآبادی، ج ۵، ص ۳۵۶۸، حاشیه، نسخه‌بدل «کاه و بی‌آگان (= بی‌آگاهان) در فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۳، ص ۱۰۶۱، قرآن ۱۰۹ و گنان (= گناهان) در همان کتاب، ج ۲، ص ۷۶۰، قرآن ۵۷ از این نوع است. در این کلمات ابتدا صامت ملفوظ h حذف و سپس با تلاقی دو مصوت ā یکی از آن دو نیز حذف شده است.

۸۲- ضمیمه درباره تفسیر معروف به سورآبادی، نسخه تربت جام، صص نه و سیزده و هفده.

۸۳- مقدمه مصحح، صص نوزده، بیست و سه، بیست و پنج و بیست و شش.

۸۴- میدی، ابوالفضل رشیدالدین: کشف‌الاسرار و عده‌الابرار، ج ۱، ص ۱.

۸۵- مقدمه مصححان تفسیر ابوالفتح رازی، ج ۱، صفحه بیست.

۸۶- ضمیمه درباره تفسیر معروف سورآبادی و نسخه تربت جام، صص شانزده، بیست، بیست و دو و بیست و شش.

۸۷- قرآن شماره ۹۴ از نظر ترجمه بسیار دقیق است.

۸۸- این ترجمه، به تصریح کتاب از تفسیر درواجگی متعلق به قرن ششم هجری نوشته شده و از نظر ویژگی‌های لغوی و زبانی و لهجه‌ای ارزشمند است.

۸۹- رسم‌الخط نسخه و برابره‌های فارسی آن، نشان از سده‌های گذشته دارد.

۹۰- مقدمه فرهنگ‌نامه قرآنی، ج ۱، صص چهل و هشت، پنجاه و شش، شصت و دو، شصت و سه، شصت و هشت، هفتاد و هفتاد و یک.

۹۱- مقدمه برگردانی کهن از قرآن کریم، ص ۵۴۵ و ۵۴۶.

۹۲- این نکته شایسته توجه است که میدی در یزد زاده شده و احتمالاً به هرات، یعنی مشرق کشورهای اسلامی آن زمان، رفته است. گونه زبانی‌ای که در کشف‌الاسرار و عده‌الابرار به کار رفته، گونه هروی است. (پیش‌گفتار مصحح بر ترجمه مقامات حریری، صفحه چهل و سه).



منابع

اخوینی بخاری، ابوبکر ربیع بن احمد: *هدایة المتعلمین فی الطب*، به اهتمام جلال متینی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۱.

ادیب نطنزی، بدیع الزمان ابو عبدالله حسین بن ابراهیم: *دستور اللغة المسمی بالخلاص*، به تصحیح رضا هادی زاده، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
اسفراینی، ابوالمظفر شاهفورین طاهرین محمد: *تاج التراجم فی تفسیر القرآن للأعاجم*، به اهتمام نجیب مایل هروی و علی اکبر الهی خراسانی، تهران: علمی و فرهنگی (با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب)، ج ۱، ۱۳۷۵، ج ۲، ۱۳۷۵، ج ۳، ۱۳۷۴.

المتحمد المروزی، محمد بن منصور: *الدرر فی الترجمان*، به تصحیح محمدرور مولایی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱.

... : *برگردانی کهن از قرآن کریم*، به کوشش علی رواقی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳.

بیهقی، ابوجعفر احمد بن علی بن محمد المقرئ: *تاج المصادر*، به تصحیح هادی عالم زاده، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۶.

... : *تراجم الأعاجم*، به کوشش مسعود قاسمی و محمود مدبری، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۶.

... : *ترجمه تفسیر طبری*، به اهتمام حبیب یغمایی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ - ۱۳۴۴.

... : *ترجمه قرآن موزه پارس*، به کوشش علی رواقی، تهران: بنیاد فرهنگ تهران، ۲۵۳۵ (= ۱۳۵۵).

... : *ترجمه قرآن* (نسخه مورخ ۵۵۶ هجری)، به کوشش محمدجعفر یاحقی، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی، ۱۳۶۴.

... : *ترجمه و قصه های قرآن*، به اهتمام یحیی مهدوی و مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۸.



- ... : تفسیر قرآن پاک، به کوشش علی رواقی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ... : تفسیر قرآن مجید: به اهتمام جلال متینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- تقلیسی، ابوالفضل حبیب‌بن ابراهیم‌بن محمد: قانون ادب، به اهتمام غلامرضا طاهر، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ج ۳، ۱۳۵۱.
- ... : حاجت‌پور، حمید: زبان تالشی (گوش خوشایر)، رشت: گیلکان، ۱۳۸۳.
- دبیرسیاقی، محمد: فرهنگ‌های فارسی، تهران: اسپرک، ۱۳۶۸.
- دهار، قاضی‌خان بدر محمد: دستورالخوان، به تصحیح دکتر سعید نجفی اسداللهی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- دهخدا، علی‌اکبر (و دیگران)، لغت‌نامه، چاپ دوم از دوره جدید، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- رازی، ابوالفتح: روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، به کوشش محمدجعفر یاحقی و دکتر محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ج ۱، ۱۳۷۷، ج ۳، ۱۳۸۱، ج ۴، ۱۳۸۱، ج ۱۰، ۱۳۸۱، ج ۱۶، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ۱۳۷۵.
- زوزنی، ابو عبدالله حسین‌بن احمد: کتاب المصاדר، به اهتمام تقی بینش، مشهد: چاپ‌خانه طوس، ج ۱، ۱۳۳۹-۱۳۴۰، ج ۲، ۱۳۴۵.
- سلامی، عبدالنبی: گنجینه گویش‌شناسی فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق: تفسیر سورآبادی، به تصحیح علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۱، ۱۳۸۰.
- صادقی، علی‌اشرف: «تحول زبان و تثبیت یا معیارسازی آن: دو جریان مخالف و ناگزیز»، زبان‌شناسی، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۶۷، صص ۲-۱۲.



_____ : «دو تحول آوایی در زبان فارسی (حذف و اضافه شدن صامت «ن» بعد از مصوت‌های بلند)»، زبان‌شناسی، سال نوزدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صص ۹-۱.

_____ : **فارسی قمی**، تهران: مؤسسه انتشارات باورداران، ۱۳۸۰.

_____ : **مسائل تاریخی زبان فارسی**، تهران: سخن، ۱۳۷۷.

... : **فرهنگ مصادر اللغه**: به تصحیح عزیز الله جوینی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
فرهنگ‌نامه قرآنی، تدوین گروه فرهنگ و ادب بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (با نظارت محمدجعفر یاحقی)، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.

قرآن قدس، به اهتمام علی رواقی، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی، ۱۳۶۴.

قرآن مجید، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سروش، ۱۳۷۹.

کارنگ، عبدالعلی: **تاتی و هرزی** (دو لهجه از زبان باستان آذربایجان)، تبریز: اسمعیل واعظ‌پور، چاپ‌خانه شفق، ۱۳۳۳.

... : **لسان‌التنزیل**، به اهتمام مهدی محقق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.

مقامات حریری (ترجمه فارسی)، پژوهش علی رواقی، تهران: مؤسسه فرهنگی شهید محمد رواقی، ۱۳۶۵.

مکنزی، دیوید نیل: **فرهنگ کوچک زبان پهلوی**، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۳.

مهدوی، یحیی و مهدی بیانی: **ضمیمه درباره تفسیر معروف به سورآبادی و نسخه تریب‌جام**، تهران: سازمان کتاب، ۱۳۵۹.

میبدی، ابوالفضل رشیدالدین: **کشف‌الاسرار و عدة‌الابرار**، به اهتمام علی‌اصغر حکمت، تهران: دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۳۱ و ج ۸، ۱۳۳۹.



